

## خوانش شعری از ماندلشتام

(این شعر باعث دستگیری ماندلشتام در ۱۹۳۴ شد)

ما زندگی می‌کنیم، ما مطمئن نیستیم که سرزمین ما متعلق به ما است. / ده پا آن طرف‌تر، هیچ کس صدای ما را نمی‌شنود / در جایی که نیمه‌گفتار با ما است / ما کوهنوردان را بیاد داریم در کوه‌های کرملین / انگشتان فربه او به مانند کرم هستند / کلمات او چون ده پا مطمئن هستند / چکمه‌های او همچنان می‌درخشند / سوسک مانند او در حال خنده است / در اطراف او مشاوران / او با آنها بازی می‌کند او با نیمه انسان اطراف خود راضی است / او صداهای خنده‌دار حیوانات را می‌سازد / تنها او است که روسی حرف می‌زند / یکی پس از دیگری. حکم مانند کفش اسب است. او تند می‌رود. او همیشه ناخن را می‌جود، توپ‌ها را / پس از هر مرگ، او مانند یک فرد قبیله است. / او تمشک در دهان خود می‌گذارد.

\*\*\*

شاعر مطمئن نیست که زمین ما متعلق به او است، ده پا آن طرف‌تر، کوهنوردان کرملین را به یاد می‌آوریم. او انگشتان فربه را یاد می‌آورد. استالین در اینجا مظهر Philistinism است. کلمات او حاوی ده پاوند است. او مظهر سبیل‌های خندان است. هر چه که در او دیده می‌شود مظهر جهان خندان است، بی‌جهت نیست که خندان است. او چونان سوسکی است که خندان است استالین مظهر جهان خندان است. بی‌جهت نیست که جهان او خندان است. او همیشه شاد است

بی دلیل نیست که او همیشه خندان است. او با جانوران پیوند دارد. جانوران برای او سمبل جهان خندان می‌باشند. او خود کوششی است که برای سمبل جهان «کوششی» به کار گرفته است. او دچار محاوره نیمه پاره است و این چنین است که ما کوهنوردان کرملین را به یاد می‌آوریم. برای او کوهنوردان هنوز یادآور خاطرات هستند.

خاطرات متعلق به دیروز نیستند و بلکه از آن امروزند. او از آن امروز است. کوشش او از برای امروز است. تمام سعی و جهد او در این خلاصه می‌شود که کوشش وی همچنان ادامه یابد. او در متن کوشش‌ها قرار دارد. سعی او در این است که کوهنوردان را در متن دیگری زنده کنند.

او خود نموداری از «فیلاستائیسیم» است. همه چیز برای این به خدمت گرفته شده که کوشش‌ها و تلاش‌ها در نهایت بتوانند خود را نشان دهند. او نشان می‌دهد که چگونه تمشک خود را در دهان نشان می‌دهد. تمشک آن میوه جنگلی است که خود را نشان می‌دهد. او با مزه تمشک آشنا است.

بی جهت نیست که تمشک برای او مزه‌ای آشنا دارد. جنگل «از طرف دیگر» برای او جهانی آشنا است.

او یاد گرفته است که با نیمه انسان‌های اطراف خود بخندد.

جهان آشنا، همان جهان جنگل است که نیمه انسان‌ها یاد گرفته‌اند که در اطراف خود خندان باشند. برای خندان بودن دلیل زیادی لازم نیست. دلیل اصلی در اینجا است که استالین یاد گرفته است که همیشه (و یا اغلب) بتواند بخندد. خندیدن جزء کوچکی از جهان او است. این جزء کوچک به او این را یاد داده است که همیشه بتواند در مقیاسی قابل توجه بخندد.

بدین خاطر است که استالین اغلب می‌خندد، او از طرف دیگر به نیروهای مسلح خود می‌بالد و از این نظر است که نیروهای مسلح خود را در شکل عالی‌ترین فرم خود نگاه می‌دارد. او با نیمه انسان در اطراف خود خوشحال است. نیمه انسان برای او از این نظر حائز اهمیت است که او و سیستم سیاسی - اجتماعی را شادمان جلوه می‌دهد.

او خود را فرزند ملت روس می‌داند و به این دلیل است که ملت روس دچار افتخار و «حتی جنون» می‌شود.

او یاد گرفته است که چطور همیشه می‌تواند بخندد. برای خندیدن دلیل زیادی لازم نیست. همیشه او قادر است که بخندد و خندیدن دلیل زیادی لازم ندارد. او یاد گرفته است که «سیستم» را در متن آن پیاده کند. سیستم مجموعه‌ای از جهان سیستم است که باعث سیستم در مجموعه آن می‌شود به عبارت دیگر استالینسیسم مجموعه‌ای از سیستم است که باعث سیستم در کل آن

می‌شود. کل سیستم سبب آن می‌شود که سیستم در کل مجموعه کلی آن احساس امنیت کند. این در حالی است که به کل سیستم شکل می‌دهد. کل سیستم شکل نهایی را به خود می‌دهد. در اینجا دو گانگی سیستم توتالیتیر برای ما افشا می‌شود. در اینجا تصادفی نیست که پیاده نظام روسیه تا این اندازه رشد و تکامل می‌بیند. این همان پیاده نظام است که تا این اندازه توانسته است دوران رشد خود را ببیند.

اما در اینجا یک نوع دو گانگی وجود دارد و آن این که دو گانگی در متن رشد و تکامل پیاده نظام مشاهده می‌شود. بی‌جهت نیست که پیاده نظام خود را در متن پیاده نظام مشاهده می‌کنند. جهان پیاده نظام بیشتر و بیشتر خود را در متن پیاده نظام مشاهده کنند و این نظر و نگاهی است که از بالا بر سربازان اعمال می‌شود. در اینجا مقایسه با سربازان پروس بسیار جالب است. سربازان پروس دارای روحیه جنگ طلبی بوده و کل ارتش پروس دارای سربازان جنگ طلب بوده‌اند. اما این بدین معنی نیست که سربازان ارتش پروس دارای ارتش منظم بوده‌اند.

در کل ارتش سرخ، ارتش منظم پروس دارای روحیه خاص خود بوده‌اند و این ارتش پروس است که دارای انضباط خاص خود بوده‌اند اما این ارتش پروس دارای مشکل خاص خود بوده‌اند. سوسک‌های ارتش سرخ توانسته‌اند شکل خاص خود را حفظ کنند. دنیای سربازان پروس دچار همان بحران می‌شده‌اند که سربازان روسی. به عبارت دیگر سربازان پروس دچار همان بحران سربازان پروس گشته‌اند، در اینجا به پدیده «موژیک» برخورد می‌کنیم که سربازان پروس دچار آن گشته‌اند.

دنیای سربازان روسی دچار همان دیسپلینی شده‌اند که سربازان پروس. به عبارت دیگر سربازان روسی اگر چه فاقد دیسپلین بوده‌اند ولی در عمل دیسپلین بسیار موثر در مورد ایشان کار کرده است. در اینجا خنده و شوخی سربازان روسی مظهر روح سربازان است.

### بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار منتشر کرده است:

- زبان دیرین آذربایجان / پژوهش و نگارش: دکتر منوچهر مرتضوی / ۱۹۶ ص / ۱۸۵۰ تومان
- بلوچستان در سالهای ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۷ قمری / عبدالرضا سالار بهزادی / ۴۴۰ ص / ۳۷۰۰ تومان
- آثار تاریخی و رارود و خوارزم (جلد اول: سمرقند و بخارا) / دکتر منوچهر ستوده / ۶۴۰ ص / ۵۷۰۰۰ تومان
- دفتر تاریخ (جلد دوم) / گردآوری ایرج افشار / ۸۴۶ ص / ۶۸۵۰ تومان